



تحلیل ساختار و گونه‌های تشبیه در دیوان صیدی هورامی

سعید احمدی^۱ (نویسنده مسئول)

ابراهیم رحیمی زنگنه^۲

موسی پرنیان^۳

(مقاله پژوهشی)

تاریخ دریافت: ۸ آذر ۱۴۰۳، تاریخ پذیرش: ۶ اسفند ۱۴۰۳، صص. ۵۴-۳۱

DOI: [10.22034/jokl.2025.142583.1410](https://doi.org/10.22034/jokl.2025.142583.1410)

کورته

شوبهاندن که بنحینه‌بیرترین نه‌ستون و نامیری وینهی خبیالکرد و ویناگهریه و وینهی خبیالکردیه به‌لاغیه‌کانی تر (خوازه، مه‌جاز، نه‌شخس و کینایه) سه‌راچودی لی نه‌گرن، خویاگی هزر، خولیا و نه‌زمونی شاعیر و درخوری توانایی شو بو پیکهتانی هاوگری له نیوان به‌شگلی ده‌کی و ناوه‌کی سروشت و پیکهتانی پیوندهی له‌گئل ژینگه و نافرتندراوه‌کانن. «سیدی» له شاعیرانی که‌م‌نه بو وه‌سفی هیمانه‌گلی سه‌روشتی هورامانه که به زمانه‌کانی کوردیی هورامی، فارسی و عهریی شاعیری هونیه‌توهه. سیدی له ویناگهری به‌لاغی شیعره‌کانیدا زیاتر له شوبهاندن و خوازه‌کملگی و فرگرتوهه. نه‌م توژی‌نویه به‌شیوازی شیکاری ته‌وسیفی و به‌کوردنوهی به‌لگه‌کان به‌شیوی په‌رتووکخانه‌یی، دیمه‌وی به‌لیکاننوهی شاعیری هورامی و موله‌مه‌مه فارسی-هورامیه‌کانی سیدی، بیچم و هومینی شیوازگلی به‌لاغی و جوړه‌کانی شوبهاندنی شو پیشان بدات، نه‌منجانی توژی‌نویه‌که دریده‌خات که ژورینهی شوبهاندنه‌کانی سیدی له‌سه‌ر پنچی به‌ره‌سته‌تیه و دره‌مه‌ست و چه‌مکی دره‌مه‌ستی و فله‌سه‌فی، که‌مه‌تر له وینهی خبیالکرد و شوبهاندنه‌کانیدا به‌دی نه‌کرن. شوبهاندنی به‌لیغ ژورترین فره‌بته‌یی هیه که پیشانی نه‌دا سیدی ناگاداران به‌وه‌کاره‌تانی نه‌م جوړه شوبهاندنه‌ن و نیدعای ویکچوویی ژورتر، به‌رو خبیالوی کردن و کورتیری هاتوه. ویناگهری له سه‌روشتی هورامان و شوته‌ناوه‌کانیشی، فره‌بته‌یی له شاعر و شوبهاندنه‌کانی سیدیدا ژوره.

وشه‌گلی سه‌ره‌کی: سیدی هورامی، لیکنده‌نوهی به‌لاغی، شوبهاندن، نه‌ده‌بی کوردی، شاعیری هورامی

چکیده

تشبیه که بنیادی‌ترین رکن و ابزار صور خیال و تصویرآفرینی است و سایر صورت‌های بلاغی (استعاره، مجاز، تشخیص و کنایه) از آن نشأت می‌گیرند، تجلی‌گاه اندیشه، تخیل و تجربه شاعر و نمودار توانایی او در ایجاد تناسب میان اجزای بیرونی و درونی طبیعت و برقراری ارتباط با محیط و آفریده‌ها است. «صیدی» از شاعران کم‌نظیر در وصف مظاهر طبیعت هورامان است که با زبان‌های کردی هورامی، فارسی و عربی شعر سروده است. او در تصویرگری‌های بلاغی اشعارش، بیشتر از تشبیه و استعاره بهره گرفته است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی و با گردآوری اسناد به شیوه کتابخانه‌ای، بر آن است تا با تحلیل اشعار هورامی و ملمع‌های فارسی-هورامی صیدی، ساختار و درون‌مایه شگردهای بلاغی و گونه‌های تشبیهات وی را تبیین نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر تشبیهات صیدی بر پایه محسوسات است و مقولات و مفاهیم انتزاعی و فلسفی، کمتر در صور خیال و تشبیهات وی دیده می‌شود. تشبیه بلیغ بسامد بالایی دارد که بیانگر آن است صیدی آگاهانه یا به‌کارگیری این نوع تشبیهات و ادعای همانندی بیشتر، به سوی خیال‌انگیزی و ایجاز رفته است. تصویرپردازی از طبیعت هورامان و اعلام جغرافیای آن نیز با بسامد بالایی در شعر و تشبیهات صیدی پدیدار گشته است.

واژگان کلیدی: صیدی هورامی، تحلیل بلاغی، تشبیه، ادبیات کردی، شعر هورامی

۱- مقدمه

تصویر و خیال، نگاه متفاوت شاعر به طبیعت و جهان بیرون و درون است؛ به عبارتی دیگر «تصرف ذهنی شاعر در مفهوم طبیعت و انسان و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت، چیزی است که آن را خیال یا تصویر می‌نامیم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۳۲). بنابراین می‌توان گفت که تصویر یا خیال، مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در زبان است که در واقع جوهره و خمیرمایه اصلی شعر را تشکیل می‌دهد.

«عموماً تصویر عبارت است از هر گونه کاربرد مجازی زبان که شامل همه صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل تشبیه استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، نماد، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسناد مجازی، تشخیص، پارادوکس و ... می‌شود» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۴). شفیعی کدکنی در این باره بیان کرده که «آنچه ناقدان اروپایی اймаژ می‌خوانند، در حقیقت مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه آن انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمزگونه‌های مختلف ارایه تصاویر ذهنی می‌باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۱۰). بنابراین می‌توان گفت چهار عنصر مهم علم بیان، یعنی استعاره، تشبیه، کنایه و مجاز در واقع اساس و زیرساخت صور خیال هستند.

تشبیه مهم‌ترین مبحث علم بیان محسوب می‌شود که فصل‌های زیادی از مباحث کتب قدیم و جدید را به خود اختصاص داده است. بیشتر صور خیال از جمله استعاره، تشخیص و حتی کنایه به صورت آشکار و نهان از بطن و پایه تشبیه ساخته می‌شوند و به همین علت است که قدرت تخیل شاعر تا حدود زیادی در شناسایی و کشف پیوند ماندها در بین عناصر، آشکار و متجلی می‌شود. از منظری دیگر، چون در خلق تشبیهات و نمودهای آن، همراه با قدرت تخیل شاعر بسیاری از عوامل دیگر مانند طبیعت، جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، زبان و ... مؤثر هستند، می‌توان تشبیهات را از جنبه‌های مختلفی تحلیل و بررسی کرد.

طبیعت و عوامل جغرافیایی همواره در توصیف و خلق صور خیال شاعران، به ویژه تشبیهات، جایگاه ویژه‌ای داشته است. شاعران با داشتن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مختلف با طبیعت روبرو گشته و در آثار خود، طبیعت را آن گونه که می‌فهمیده‌اند، توصیف کرده‌اند. در بین مکتب‌های ادبی مختلف، مکتب ادبی رمانتیسم به طبیعت اهمیت ویژه‌ای داده است و نویسندگان و شاعران این مکتب با دیدگاهی عاطفی و احساسی با طبیعت و پدیده‌های آن مواجه شده‌اند، و با اشعار و آثار غنایی خود، طبیعت را توصیف نموده‌اند.

در بین شاعران منطقه هورامان نیز که بیشتر گرایش‌های رمانتیکی داشته‌اند، این تمایل به طبیعت و توصیف آن بازتاب یافته و طبیعت را پناهگاه روحی خویش و مردمان منطقه خود دانسته و به توصیف و تصویر آن پرداخته‌اند. زندگی در طبیعت بکر و زیبای هورامان و تجربه‌های مستقیم شاعران از عناصر طبیعت با روح شاعرانه آنان گره خورده و حاصل آن، زیباترین تصویرهای شاعرانه

در حوزه طبیعت است. تصاویری که این شاعران از طبیعت در اشعار خود منعکس کرده‌اند، به تصاویر ذهنی حاصل از دریافت‌های حسی شاعر زندگی می‌بخشد؛ به عبارت دیگر، سبب می‌شود تا خواننده احساس کند چیزی را به گونه‌ای متمایز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید و یا می‌شنود.

«صیدی هورامی» از شاعران برجسته و بنام منطقه هورامان است که در تصویرگری‌های بلاغی اشعارش برای تفهیم معانی، در ذهن و روان خود و مخاطبش از صور خیال مختلفی از جمله تشبیه، استعاره و تشخیص بهره برده است. تنوع تشبیهات و حضور فعال عناصر طبیعی در سروده‌های صیدی، تحرک و پویایی تصویرها را به دنبال داشته است. شاعر از راه تشبیه و حس همسانی، تشبیهاتی عینی و طبیعی می‌آفریند، که حاصل ارتباط مستقیم وی با طبیعت بوده و از حواس بینایی و طبیعت اطراف خود مایه گرفته است. دیوان اشعار او سرشار از تشبیهات محسوسی است که زیبایی‌های طبیعت و احساسات عاشقانه خود را به سادگی و روانی به تصویر می‌کشد.

با توجه به اینکه در زمینه نقد و بررسی تشبیه و انواع آن در دیوان صیدی هورامی تاکنون پژوهشی انجام نشده است، تحلیل و بررسی تشبیهات اشعار او از جنبه‌های ساختار بیرونی، درون مایه و نحوه به کارگیری عناصر طبیعت، نشان دادن ظرفیت‌های بلاغی زبان و ادبیات هورامی و ایجاد بستری مناسب جهت پژوهش‌های بیشتر در این زمینه، از اهداف این پژوهش است.

۲- پیشینه پژوهش

در باب اشعار صیدی تاکنون به لحاظ موضوعی و تحلیل ساختار و گونه‌های صور خیال از جمله تشبیه به شکل مستقل، پژوهشی علمی انجام نشده و تحقیقات انجام گرفته، معمولاً در محدوده زندگی‌نامه، گردآوری و شرح دیوان اشعار او بوده است. از جمله؛ ۱- دیوان صیدی به کوشش عثمان محمد هورامی (۱۹۷۰) که فقط به گردآوری اشعار صیدی پرداخته است؛ ۲- دیوان صیدی به کوشش محمدامین کاردوخی (۱۳۷۵) که تنها به جمع‌آوری و تدوین اشعار صیدی پرداخته است؛ ۳- خیزگی سهدیدی و خهرمانی نهدهب از رئوف محمدپور (۱۳۸۶) که به زندگی‌نامه و این که اشعار صیدی هورامی محصول یک نفر است یا دو نفر، می‌پردازد؛ ۴- دیوانو سهدیدی هورامی به کوشش عبدالله حبیبی (۱۳۹۸) که با گویش هورامی ضمن بیان زندگی‌نامه صیدی، به شرح و معنی اشعار وی می‌پردازد؛ ۵- دیوانی سهدیدی با کوشش و ترجمه مهدی فلاحی رستمان (۱۴۰۰) که او نیز اثر عبدالله حبیبی را بدون دخل و تصرف به گویش سورانی ترجمه کرده است؛ ۶- مقاله «نگاهی به دو زبانگی شعر صیدی» نگارش مظهر ادوای (۱۳۹۴) چاپ شده در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی جستارهای ادبی و مطالعات فرهنگی که نشان می‌دهد صیدی یک نفر بوده که به دو گویش هورامی قدیم و جدید شعر سروده است.

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل ساختاری تشبیهات دیوان اشعار صیدی از جنبه‌های مختلفی چون موضوع، ساختار و شکل، درون‌مایه، ارکان تشبیه، نحوه به‌کارگیری عناصر طبیعت و ... می‌پردازد که در نوع خود مستقل و بدیع است.

۳- روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع پژوهش، توصیفی تحلیلی است و با مطالعه دقیق دیوان اشعار صیدی هورامی، و سپس انتخاب و استخراج همه تشبیهات شاعر بر اساس نسخ موجود انجام شده است. مبنای کار و نسخه اصلی در استخراج نمونه‌ها بر تصحیح و شرح عبدالله حبیبی از دیوان صیدی هورامی قرار دارد؛ به طوری که با فیش‌برداری، تعداد ۵۳۴ تشبیه در نتیجه این کنکاش، استخراج و به دست آمد. سپس با بررسی نظری صور خیال، به دسته‌بندی فیش‌های مربوط پرداخته و تقسیم‌بندی منظمی از لحاظ اصطلاحات برجسته و پرسامد، ساختار شکلی تشبیهات، حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه، فشردگی و گسترده بودن تشبیهات، به‌کارگیری عناصر زمینی و آسمانی و انواع آن در تشبیه به عمل آمده است. پس از آن نمونه‌های برجسته از دیوان شاعر انتخاب شده، به عنوان شاهد به کار رفته است. در نهایت، براساس بررسی‌های انجام شده و فیش‌های استخراجی، نتیجه آماری قابل تأمل و توجهی به دست آمده که به صورت جدول و نمودار ارائه شده است.

۴- بحث و بررسی

۱-۴- تشبیهات صیدی از دید دو سوی تشبیه (حس و عقل)

تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن مشبّه و مشبّه‌به، چهار حالت دارد: یا هر دو طرف حسی هستند؛ یا مشبّه عقلی، مشبّه‌به حسی یا مشبّه حسی، مشبّه‌به عقلی است یا هر دو طرف عقلی هستند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۴).

با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته در این پژوهش، عنصر تشبیه در میان گونه‌های صور خیال، بیشتر از دیگر عناصر بیانی به‌کار رفته است. شاعر با آزادی تخیل، اکثر عناصر تشبیهات خود را از طبیعت و عناصر حسی گرفته است. این امر حاکی از توجه شاعر به محیط زندگی و محسوسات اطراف خود است. لذا یکی از مباحث اصلی که در بررسی تشبیهات دیوان صیدی مورد تحلیل و کنکاش قرار گرفته، مبحث ساختار معنوی، حسی یا عقلی بودن طرف‌های تشبیه (مشبّه و مشبّه‌به) است.

۱-۴-۱- مشبّه و مشبّه‌به هر دو حسی (تشبیه محسوس به محسوس): همان‌طوری که تشبیه حسی به حسی در ادبیات فارسی دارای بالاترین کاربرد و بسامد است، در تشبیهات دیوان صیدی نیز این گونه تشبیه دارای بالاترین بسامد است و این بیانگر تأثیرپذیری شاعر از طبیعت پیرامون خود

است. در مجموع ۵۳۴ تشبیهی که بررسی شدند، تعداد ۳۷۹ (۷۱٪) تشبیه از نوع تشبیه محسوس به محسوس است.
شاهد ۱:

خه‌زان په‌ی فہ‌سل پاییزش نہ‌ویدہن به‌لّی جاسوس پیری مووی سفیدہن
(صیدی، ۱۳۹۸: ۲۶۰)

[ترجمه: همان‌طور که خزان پیام‌آور فصل پاییز است، بله! سفیدی مو نیز ابلاغ‌کننده پیری است.]
در این مثال که نمونه تشبیه محسوس به محسوس است، شاعر در یک تشبیه «مرکب» به شیوۀ اسلوب معادله سفیدی مو را که برملاکنندۀ پیری است، با زیبایی تمام و با الهام از طبیعت هورامان، به خزان که ابلاغ‌کنندۀ فصل پاییز است تشبیه کرده و عکس آن هم صائب است.
شاهد ۲:

گولّ پہ‌ی توّ خاسہن جہ‌مین جامہ‌نی گولّ بوّ، گولّ قامت، گولّ نہ‌ندامہ‌نی
(همان: ۲۳۵)

[ترجمه: ای که رخسارت مانند آینه روشن است، گل شایستۀ توست؛ زیرا بو، قامت و اندامت همچو گل است.]
در این بیت، که نمونه‌ای از تشبیه محسوس به محسوس است، شاعر در یک تشبیه «تسویه» به‌صورت تشبیه بلیغ، اندام، قامت، و بوی معشوق خود را به گل، که برجستہ‌ترین عنصر طبیعت هورامان است، تشبیه کرده است. در اشعار صیدی واژہ «گل» و مشتقات آن به‌صورت «تشبیه» و «استعاره» (۸۲ بار) دارای بیشترین بسامد است. البته ترکیب «جہ‌مین جامہ‌نی» هم تشبیه بلیغ دیگری است که شاعر در این بیت، رخسار معشوق خود را به آینه تشبیه کرده است.

۲-۱-۴- مشبہ عقلی و مشبہ به حسی (تشبیه معقول به محسوس):
«در میان چهار پایہ ماندگی، دو پایہ آن، مانروی (ادات) و مانواژ (وجہ شبہ) را می‌توان از سخن سترد. اما در تشبیه از دو پایہ دیگر مانندہ و مانستہ گزیری نیست. تشبیه تا هنگامی دارای ساختار تشبیه است کہ این دو پایہ در سخن آورده شدہ باشند. از این دو پایہ، بنیاد پندار شاعرانہ (مانروی) بر مانستہ نہادہ شدہ است. پایہ برترین مانستہ است؛ آن سہ دیگر بر آن بنیاد می‌گیرند» (کزازی، ۱۴۰۰: ۴۱).

یکی از جنبہ‌های زیبایی‌شناختی تشبیه برقراری رابطہ و پیوند دادن معقولات به محسوسات است، آنچنان کہ کــروچہ (۱۳۴۴: ۷۹) می‌گوید: «گفته‌اند کہ تصویر آن‌گاہ جنبہ هنری پیدا می‌کند کہ معقولی را بہ محسوسی پیوند دہد.»

در دیوان صیدی از لحاظ بسامد و فراوانی تشبیهات (معقول به محسوس) در رتبه دوم قرار دارد و این بیانگر آن است که تأسی از محسوسات و طبیعت بکر هورامان، همواره با شعر و احساس شاعران و تصویرپردازی‌های بلاغی آنان عجین و همراه است. در مجموع ۵۳۴ تشبیهی که بررسی شدند، تعداد ۹۳ (۱۷٪) تشبیه از نوع تشبیه معقول به محسوس هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در مجموع تشبیهات دیوان صیدی، تعداد ۴۷۱ (۸۸٪) تشبیه، رکن «مشبه‌به» آن‌ها که اصلی‌ترین رکن تشبیه می‌باشد، از نوع حسی است. شاهد:

تا موژت شابال نیم نگای نازهن رۆح من چوون تهیر هه نه په‌روازهن
(صیدی، ۱۳۹۸: ۲۴۹)

[ترجمه: تا زمانی که با گوشه چشم و مژگان بلندت به من بنگری، روح من همچنان در پرواز است.]
در این بیت، که نمونه یک تشبیه معقول به محسوس است، شاعر روح (معقول) خود را به پرنده‌ای (محسوس) تشبیه کرده‌است که مشغول پرواز است و در این شعر نیز شاعر از عناصر طبیعت (پرندگان) الهام می‌گیرد و به تصویرآفرینی می‌پردازد. شاهد ۲:

وه به‌رزی ئه‌و کۆ به‌رز بۆ پایه‌تان به‌دایم په‌یما مه‌نۆ سایه‌تان
(صیدی، ۱۳۹۸: ۳۲۶)

[ترجمه: ای مردان خدا، مقام و جایگاهتان به استواری کوه (ئه‌ودالان) باشد و همیشه سایه‌تان بر سر ما مستدام باد!]
در این بیت، که یک تشبیه معقول به محسوس دارد، شاعر با تأسی از اعلام جغرافیای منطقه هورامان و کوه‌های آن از جمله (کۆسالاَن) و (ئه‌ودالان) با تشبیه به تصویرپردازی شاعرانه می‌پردازد و بلندمرتگی و استواری مردان خدا (هفت ابدال) را همچون استواری کوه‌های هورامان از خداوند طلب می‌کند. صیدی را معمولاً شاعری با عشق مجازی می‌شناسند و خود هم در ملمعی (کردی-فارسی) به آن اذعان می‌کند:

مه‌ج‌ازین عه‌ش‌قوو «صیدی» بار ئیلاهی به‌لطف خود حقیقت کن مجازم
(همان: ۳۰۸)

۳-۱-۴- مشبه حسی و مشبه‌به عقلی (تشبیه محسوس به معقول): این نوع تشبیه در دیوان صیدی نسبت به دو نوع تشبیه قبل دارای بسامد کمتری است که دلیل اصلی آن به موضوع اصلی شعر برمی‌گردد که حسی و بیرونی است و صیدی کمتر به مباحث عقلانی و فلسفی می‌پردازد و بیشتر از

تجربه زیسته و محسوسات و طبیعت پیرامون خود طبع آزمایی می‌کند. در مجموع ۵۳۴ تشبیهی که بررسی شده‌اند، تعداد ۳۶ (۷٪) تشبیه از نوع تشبیه معقول به محسوس هستند. شاهد ۱:

به سده ناز چون حور مه‌خیز به قه‌ست تا بازار حوسن من بدو شک‌ه‌ست
(همان: ۴۱۰)

[ترجمه: او (معشوق) با صد ناز و عشوه همچون حوری به قصد درهم شکستن زیبایی من پا به میدان می‌گذارد.]

در این بیت، شاعر معشوق و زیبایی‌اش را (محسوس) به حور (معقول) مانند می‌کند. شاهد ۲:

شیدای شیوهی رهند پهری‌سامت بام دیوانه‌ی روخسار جه‌مین جامت بام
(همان: ۴۵۳)

[ترجمه: من شیدای شمایل زیبای همچون پری و دیوانه رخسار همچون آیینه‌ات (معشوق) بشوم.]

در مصرع اول این بیت شاعر شکل و شمایل معشوق خود (محسوس) را به پری (معقول) تشبیه می‌کند. البته شاعر در مصرع دوم در یک تشبیه بلیغ (حسی به حسی) رخسار معشوق خود را در صافی به آیینه تشبیه کرده است.

۴-۱-۴- مشبه عقلی و مشبه به عقلی (تشبیه معقول به معقول): این نوع تشبیه در دیوان صیدی دارای کمترین بسامد است. در مجموع ۵۳۴ تشبیهی که بررسی شده‌اند، تعداد ۲۶ (۵٪) تشبیه از نوع تشبیه معقول به معقول است. دلیل اصلی آن این است که بیشتر اشعار صیدی نشأت گرفته از توصیفات و تشبیهات عینی و واقعی است و مضامین فلسفی و عقلی در شعر صیدی جایی ندارند و اگر معقولاتی هم در شعر او به صورت تشبیه تصویرآفرینی می‌شوند، بیشتر مربوط به ایام پر از غم و غصه عاشق (شاعر) نسبت به دوری و هجران معشوق یا ایام پیری و ناتوانی است. شاهد ۱:

هیجرانت به تهرح نه‌جه‌ل مه‌نمانو زنده‌گی عاشق جه‌ تن مه‌ستانو
(صیدی، ۱۳۹۸: ۲۵۸)

[ترجمه: هجران و دوری معشوق مانند اجل است که جان و زندگی را از تن عاشق می‌ستاند.]

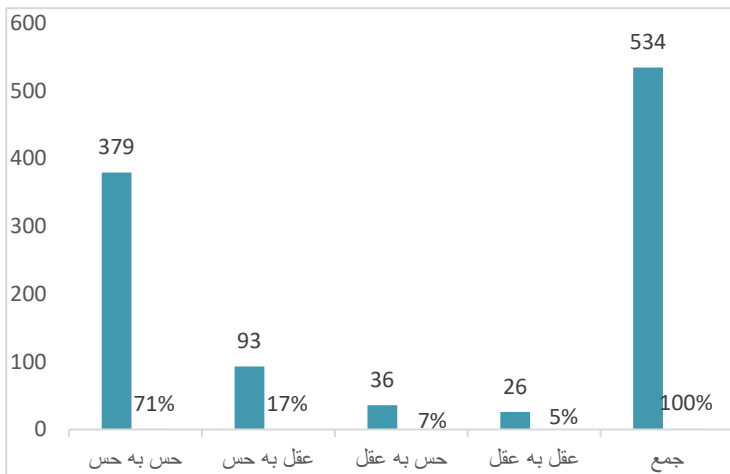
در این بیت، شاعر دوری و هجران (معقول) معشوق را به اجل و مرگ (معقول) مانند و تصور می‌کند. شاهد ۲:

تا مه‌یو وه لام رهند جه‌مین گول خه‌وف هیجرانش مه‌نیشوم نه دل
(همان: ۴۲۹)

[ترجمه: تا معشوق زیبارویم به کنارم می‌آید، بلافاصله غم هجرانش بر دلم می‌نشیند].
شاعر در مصرع دوم هجران و دوری (معقول) معشوق خود را ترس و غمی (معقول) تصور می‌کند که ممکن است هر لحظه بر دلش بنشیند. البته در مصرع اول شاعر رخسار معشوق خود (محسوس) را به گل (محسوس) تشبیه می‌کند.

انواع تشبیه از دید دو سوی تشبیه (حس و عقل) جدول و نمودار آماری شماره (۱)

تشیبیه	محسوس به محسوس	معقول به محسوس	محسوس به معقول	معقول به معقول	جمع
بسامد	۳۷۹	۹۳	۳۶	۲۶	۵۳۴
درصد	۷۱٪	۱۷٪	۷٪	۵٪	۱۰۰



۲-۴- تشبیهات صیدی از دید ساختار ظاهری (ارکان تشبیه)

۱-۲-۴- تشبیه بلیغ: «تشبیهی است که مانروی و مانواژ هیچ یک در آن آورده نشده باشند به سخنی دیگر، تشبیه رسا از سویی مجمل و از دیگر سوی استوار (مؤکد) است» (کزازی، ۱۴۰۰: ۷۴). تشبیه بلیغ (مجمل مؤکد) خیال‌انگیزی و ابهام بیشتری در ذهن خواننده ایجاد می‌کند؛ زیرا ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به قوی‌تر است. با بررسی و تحلیل تشبیهات دیوان صیدی (۵۳۴ تشبیه) مشخص شد که تعداد ۳۵۱ تشبیه (۶۶٪) به صورت بلیغ (اضافی و اسنادی) به تصویر درآمده‌اند؛ شاهد ۱:

ئه‌رئ سەیل نوور وه بالآت وه‌شته سەرتاپات به نوور ئیلاهی ره‌شته

(صیدی، ۱۳۹۸: ۱۹۶)

[ترجمه: ای کسی که سیل نور به قامت باریده است و سرتاپایت با نور الهی رنگین و تزئین شده است...]

در این بیت، شاعر با الهام از طبیعت بارانی و سیل آسای هورامان و پدیده‌های آسمانی، با استفاده از واژه‌های «سه‌یل» و «نور» تشبیهی بلیغ اضافی و بدیع و منحصر به فردی به تصویر می‌کشد. در ترکیب «سه‌یل نور» سه‌یل (مضاف) مشبّه به و نور (مضاف‌الیه) مشبّه است. واژه «نور» در نزد پیروان میتراثیسم مقدس بوده است و ساکنان هورامان پیش از اسلام هم پیرو این آیین بوده‌اند و شاید بی‌تأثیر نیست که صیدی ۴۸ بار آن را به تصویر کشیده است.
شاهد ۲:

وهختی بای شه‌مال، پهرنده‌ی تیژره شیرین دیده‌مست هورئیرا جه خهو

(همان: ۳۱۲)

[ترجمه: ای نسیمی که مانند پرنده‌ای بادپا به پرواز در می‌آیی! زمانی که شیرین (معشوق) با چشمان خمارش از خواب بیدار می‌شود...]

در این بیت، نیز، شاعر با استفاده از عناصر طبیعت هورامان، نسیم و پرندگان زیبایش دست به تصویرآفرینی می‌زند و تشبیه بلیغ و تلمیحی بدیع خلق می‌کند. «بای شه‌مال» مشبّه و «پهرنده‌ی تیژره» مشبّه به است.

۲-۴- تشبیه غیر بلیغ (گسترده): به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می‌گویند و بر سه قسم است؛

الف) «تشبیهی که هر چهار رکن آن ذکر شده باشد. این نوع از تشبیه را در کتب بیانی «تشبیه مرسل مفصل» گفته‌اند» (گلی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

ب) «تشبیهی که ادات تشبیه در آن حذف شده است. این قسم از تشبیه را «مؤکد» می‌نامند» (تجلیل، ۱۳۷۴: ۵۸).

ج) «تشبیهی که وجه شبه در آن حذف شده باشد. این نوع از تشبیه، «مجمل» نامیده می‌شود» (رجائی، ۱۳۷۹: ۲۷۶).

با بررسی و تحلیل تشبیهات دیوان صیدی (۵۳۴ تشبیه) مشخص شد که تعداد ۱۸۳ تشبیه (۳۴٪) به صورت غیربلیغ (گسترده) به تصویر درآمده‌اند؛

۱-۲-۴- تشبیه مرسل مفصل (چهار رکنی): تشبیه «مرسل مفصل» تشبیهی است که چهار رکن تشبیه در آن ذکر شده باشد؛ از تشبیهات دیوان صیدی تعداد ۱۰۲ (۱۹٪) تشبیه از نوع چهار رکنی (مرسل مفصل) هستند.

شاهد ۱:

نگار من به رخ گلگونه داده «مه‌واچی هوون و وه‌روهن، چه‌رمه و سوور»
(صیدی، ۱۳۹۸: ۲۳۰)
[ترجمه: گونه‌های به سرخاب مالیده نگارم، گویی برف سفید و خون قرمز است که باهم آمیخته شده‌اند.]

یکی از شیوه‌های سرایش شعر صیدی ملمع (هورامی-فارسی) است که به کرات از آن استفاده کرده است و در این نمونه شاعر با یک تشبیه غیربلیغ چهار رکنی (مرسل مفصل) رخسار گلگونه داده شده معشوق خود را به تصویر کشیده و آن را از لحاظ سفیدی و سرخی به برف و خون تشبیه کرده است. مصرع اول مشبّه، «مه‌واچی» ادات، «هوون و وه‌روهن» مشبّه‌به، و «چه‌رمه و سوور» وجه شبهه.

شاهد ۲:

وه‌ختن بدو سان گولان هه‌زار رهنگ چه‌رمه و زهرد و سوور، چون دیبای فهرنگ
(همان: ۵۲۶)
[ترجمه: زمان آن رسیده است که بهار، گل‌های رنگارنگ (سفید، زرد و قرمز) همچون دیبای فرنگی را به صف آراسته کند.]

در این بیت، نیز، صیدی با تأثیرپذیری از طبیعت و گل‌های رنگین هورامان تشبیهی غیربلیغ چهار رکنی آفریده است. «گولان هه‌زار رهنگ» مشبّه، «چوون» ادات، «دیبای فهرنگ» مشبّه‌به، و «چه‌رمه و زهرد و سوور» وجه شبهه.

۲-۲-۴- مفصل مؤکد (تشبیه سه رکنی با ذکر وجه شبهه و حذف ادات تشبیه): تشبیهی است که از طرفی وجه شبهه در آن ذکر شده (مفصل) و از طرفی دیگر ادات تشبیه حذف شده است (مؤکد)؛ لذا به آن تشبیه (مفصل مؤکد) گفته می‌شود. در تشبیهات مفصل با حضور وجه شبهه جایگاه چندانی برای تخیل مخاطب و مشارکت وی در متن باقی نمی‌ماند و نیاز به تأمل و جستجوی زیادی ندارد. از تشبیهات دیوان صیدی تعداد ۱۳ (۲٪) تشبیه از نوع سه رکنی (مفصل مؤکد) هستند.

شاهد ۱:

من ئیشهو میړه بئنی دۆسه‌م ئیسا ده‌واش کیرو و بورۆوه زینده ئیسا
(صیدی، ۱۳۹۸: ۲۰۳)
[ترجمه: من امشب مرده بودم؛ اما یارم با دم مسیحایی‌اش زنده‌ام کرد و اکنون در حیات هستم.]

در این شاهد صیدی با گویش هورامی قدیم و با الهام از داستان و معجزه حضرت عیسی، یک تشبیه تلمیحی زیبا از نوع غیر بلیغ «مفصل مؤکد» را خلق می‌کند. جمله «بورۆوه زینده» در مصرع دوم وجه شبهه، تشبیه است.

شاهد ۲:

نیشانه‌ی فسل پاییز وهختوو پیرین مه‌لولی و بی‌ده‌ماخی و دل زویرین
(همان: ۲۶۱)
[ترجمه: نشانه آمدن فصل پاییز و دوران پیری مانند هم هستند، همان‌طوری که در فصل پاییز درختان ملول و غمگین هستند، با آمدن پیری، انسان نیز غمگین و ملول می‌شود.
در این شاهد صیدی با بهره گرفتن از خزان پاییزی منطقه هورامان، پیری و اندوهناکی و ملولی خود را به خزان و زردی برگ‌های درختان تشبیه کرده و تشبیهی سه رکنی «مفصل مؤکد» آفریده است.
۳-۲-۴- مرسل مجمل (تشبیه سه رکنی با ذکر ادات تشبیه و حذف وجه تشبیه): از تشبیهات دیوان صیدی تعداد 68 (۱۳٪) تشبیه از نوع سه رکنی «مرسل مجمل» هستند. چون در این نوع تشبیهات وجه شبه ذکر نمی‌شود، حس تخیل خواننده برای درک و دریافت وجه شبه قدرت بیشتری می‌گیرد و تشبیه رساتر و مؤثرتر می‌شود. از نظر تئوری ادبیات تشبیه مجمل از مفصل بهتر است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۸).

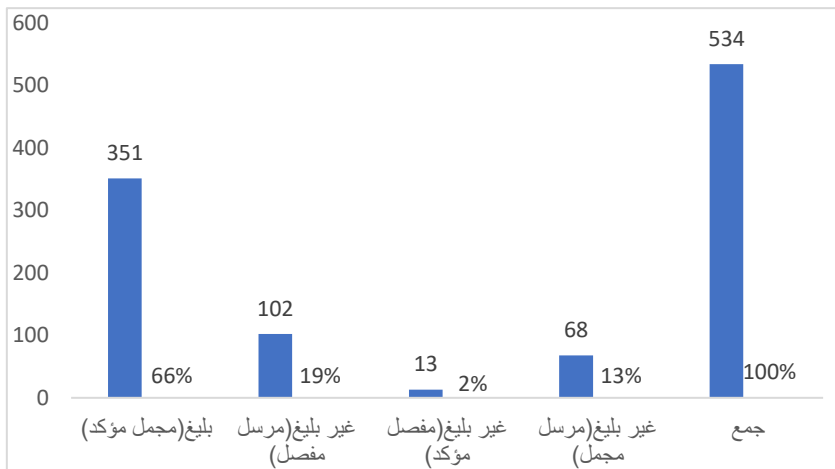
شاهد ۱:

جه ناکاو که سهیر مه‌که‌روون جه دوور دیارهن بالاو یاره‌کیم چوون نور
(صیدی، ۱۳۹۸: ۴۰۱)
[ترجمه: وقتی که یک‌دفعه از دور نگاه می‌کنم قامت همچون نور یارم نمایان است].
شاعر در این بیت، با مشبّه (بالاو یاره‌کیم) و مشبّه‌به (نور) و ذکر ادات تشبیه (چوون) یک تشبیه سه رکنی با ذکر ادات و حذف وجه شبه آفریده است. «نور» از واژه‌های پربسامد شعر صیدی است.
شاهد ۲:

ئه‌برؤش چوون که‌مان موژان خه‌ده‌نگهن دایم چه‌نی دل به قه‌سد جه‌نگهن
(همان: ۴۵۹)
[ترجمه: معشوقم با ابروی همچون کمان و خدنگ مژگانش همواره با دلم قصد جنگ دارد].
شاعر در مصرع اول با مشبّه (ئه‌برؤش) و مشبّه‌به (که‌مان) و ذکر ادات تشبیه (چوون) یک تشبیه «مرسل مجمل» سه رکنی با ذکر ادات تشبیه آفریده است و در همان مصرع با مشبّه (موژان) و مشبّه‌به (خه‌ده‌نگ) یک تشبیه بلیغ اسنادی هم ساخته و به تصویر در آورده است. ادات «چوون» در تشبیهات صیدی بیشترین بسامد را دارد.

انواع تشبیه از دید ساختار ظاهری (ارکان تشبیه) جدول و نمودار آماری (شماره ۲)

تشیبیه	بلیغ (مجمل مؤکد)	غیر بلیغ (مرسل مفصل)	غیر بلیغ (مفصل مؤکد)	غیر بلیغ (مرسل مجمل)	جمع
بسامد	۳۵۱	۱۰۲	۱۳	۶۸	۵۳۴
درصد	۶۶٪	۱۹٪	۲٪	۱۳٪	۱۰۰



۴-۳-۱- گونه‌های دیگر تشبیهات صیدی بر اساس شکل و مضمون؛

۴-۳-۱- تشبیه مضمّر تفضیل: در این نوع تشبیه، شاعر در درون خود نه به ظاهر در پی ساخت تشبیهی است، اما منصرف می‌شود و مشبّه را بر مشبّه‌به ترجیح می‌دهد. در دیوان صیدی هورامی هم ۷ تشبیه به صورت ضمنی و تفضیل تصویرسازی شده است؛

شاهد ۱:

کی مه‌بۆ هه‌متاش حوسن تو؟ پهری؟
یا زوهردی نامدار؟ یا هو موشته‌ری؟
(صیدی، ۱۳۹۸: ۱۹۰)

[ترجمه: در زیبایی چه کسی همتای توست؟ پری؟ یا زهره و مشتری؟]

در این بیت، صیدی با الهام از عناصر سماوی در ضمیر خود معشوقش را در زیبایی به پری، زهره و مشتری تشبیه کرده است، اما با طرح پرسش‌هایی تأکیدی و انکاری، حسن و زیبایی یارش را برتر از پری، زهره و مشتری می‌داند.

شاهد ۲:

من و یارهم، هه‌نی ئایری سوور به
ایا رضوان بهشت و حوری تو

(همان: ۲۳۳)

[ترجمه: من و یارم با هم باشیم، کفایت می‌کند حتی اگر در آتش هم باشد. ای دربان بهشت؟! بهشت و حوری‌ات برای تو.]

صیدی در یکی از ملمع‌های (هورامی-فارسی) در ضمیر خود نه تنها معشوقش را به حوری بهشت تشبیه می‌کند، بلکه ادعا می‌کند، حتی در آتش جهنم، معشوقم را بر حوری بهشت ترجیح می‌دهم. ۲-۳-۴- تشبیه تلمیحی: تشبیه تلمیحی، تشبیهی است که درک وجه شبه آن در گرو آشنایی با اسطوره و داستانی باشد. معمولاً این نوع تشبیه را می‌توان به اساطیری، تاریخی، دینی، عاشقانه و غیره تقسیم کرد (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۱۹).

در دیوان صیدی تلمیحات عاشقانه به کرات و بعضاً عارفانه دیده می‌شوند، اما در باب تشبیه، در مجموع تعداد ۴۶ تشبیه تلمیحی به کار رفته است. مثلاً واژه شیرین به طور کلی ۶۹ بار در معانی مختلف به کار رفته است که در جایگاه معشوق فرهاد، چندین بار به صورت تشبیه و استعاره به تصویر کشیده شده است. بیشترین تشبیه تلمیحی در دیوان صیدی مربوط به داستان شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون است.

شاهد ۱:

ئه‌وئل چوون له‌یلجِ موبهت مه‌نمانان تا که دلّ جه لای مه‌جنوون مه‌ستانان

(صیدی، ۱۳۹۸: ۵۵۱)

[ترجمه: در آغاز مانند لیلی اظهار محبت و عشق می‌کنند تا دل از مجنون می‌گیرند و ...]. در این بیت، صیدی با الهام از داستان عاشقانه لیلی و مجنون یک تشبیه تلمیحی می‌سازد و در مصرع اول معشوق را به لیلی تشبیه می‌کند و در مصرع دوم با مجنون (استعاره از صیدی) استعاره می‌آفریند.

شاهد ۲:

بی‌باک جه تانه‌ی مه‌نا و مه‌نعانم چوون «یه‌عقوب» داخدار پهی مای که‌نعانم

(همان: ۵۶۸)

[ترجمه: از طعنه و سرزنش دیگران باکی ندارم و مانند یعقوب، داغدار ماه کنعان هستم.] صیدی در این بیت، خود را به یعقوب مانند کرده است که داغدار ماه کنعان (یوسف) خود است؛ البته قبل این بیت در تلمیحی دیگر خود را به شیخ صنعان تشبیه می‌کند و در بیت بعد به داستان وامق و عذرا و شیرین و فرهاد اشاره می‌کند (همان).

۳-۴-تشبیه حروفی: تشبیه حروفی از دیرباز در شعر فارسی رایج بوده است. رودکی، پدر شعر فارسی دری، در یکی از شعرهای خود، زلف معشوق را به «جیم» و خال صورت او را که در چنبر زلف آویخته‌اش قرار گرفته است، به نقطه آن جیم تشبیه کرده است:

زلف تو را جیم که کرد آن که کرد خال تو را نقطه آن جیم کرد

(حاجیان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۸۹)

پس از او شاعران دیگر زبان فارسی همچون فرخی، مسعود سعد سلمان، خاقانی، سنایی، مولوی و ... از تشبیهات حروفی استفاده کرده‌اند. در دیوان صیدی هورامی، در بخش اشعار فارسی تعداد ۱۶ شعر حروفی وجود دارد که ۴ نمونه آن به صورت تشبیه حروفی به کار رفته است، اما بخش فارسی در این مقاله بررسی نشده است. در یکی از ملمع‌های هورامی فارسی‌اش نمونه‌ای از تشبیه حروفی به صورت ۳ تشبیه بلیغ اسنادی به کار برده است که در نوع خود بی‌نظیر است؛ زیرا از ترکیب سه حرفی که در جایگاه مشبّه‌به، به کار گرفته است، مشبّه‌به و مقصود اصلی را بیان می‌کند:

چه موت «صاد» و برؤت «ننون» و دهمت «میم» رخت لوح و دلم طفل و تو استاد

(صیدی، ۱۳۹۸: ۳۳۳)

[ترجمه: چشمانت چون حرف صاد و ابروانت چون حرف نون و دهانت چون حرف میم، رخسارت چون لوح سفید و منم مانند طفلی که در مقابل استادش درس پس می‌دهم.]

صیدی در مصرع اول این بیت چشم (چهم) را به حرف «صاد» و ابرو (برؤ) را به حرف «نون» و دهان (دهم) معشوق خود را به حرف «م» تشبیه کرده است و از مجموع حروف «ص»، «ن» و «م» واژه «صنم» به معنی «بت» تشکیل می‌شود که مراد معشوق و یارش است که از بدیعیات بی‌نظیر صور خیال صیدی هورامی به شمار می‌رود.

۴-۳-۴-تشبیه مرکب: «تشبیه مرکب گونه‌ای از تشبیه است که در آن دو هیأت به یکدیگر مانند می‌شوند. مشبّه‌به در این تشبیه، بیش از یک جزء و تصویر حاصل از تشبیه، مرکب است. این نوع تشبیه در حقیقت شکل و هیأت و یا تابلوی ذهنی شاعر است، که اجزای آن در به وجود آمدن یک تصویر مرکب نقش داشته باشند» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۴۰)

در دیوان صیدی ۱۳ تشبیه به صورت مرکب به تصویر در آمده است.

شاهد ۱:

چوون دلّه‌ی عاشق دهروونش جوّشان پهرده‌ی تاریکش نه پرووی خوّر پوّشان

(صیدی، ۱۳۹۸: ۳۱۷)

[ترجمه: ابرهای پاییزی مانند عاشقی که دل و درونش به جوش و غلیان درآمده باشد، پرده تاریکی بر روی خورشید کشیده و دنیا را تاریک کرده است.]

صیدی در این بیت، با الهام از طبیعت پاییزی هورامان، برای وصف ابر تیره و تار و باران‌زای پاییزی از یک تشبیه مرکب استفاده نموده و ابرهای تیره و تار که جلوی نور خورشید را گرفته و نزدیک به بارش هستند (مشبّه)، به دل و درون جوشیده از عشق عاشق که منجر به سرازیر شدن اشک‌هایش می‌شود (مشبّه‌به)، تشبیه کرده است.

شاهد ۲:

خه‌زان پهی فہ سلّ پاییزش نہ‌ویدہن بہ لّی جاسوس پیری مووی سفیدہن

(همان: ۲۶۰)

[ترجمه: همان‌طور که خزان پیام‌آور فصل پاییز است، بله! سفیدی مو نیز ابلاغ‌کننده پیری است.] صیدی در بیت بالا با زیبایی تمام و با استفاده از طبیعت بکر هورامان به شیوه اسلوب معادله، در یک تشبیه «مرکب» سفیدی مو را که برملاکننده پیری است (مشبّه)، به خزان که ابلاغ‌کننده فصل پاییز است (مشبّه‌به)، تشبیه کرده است.

۳-۴-۵- تشبیه جمع: تشبیهی است که برای یک مشبّه چند مشبّه‌به آورده شود. در دیوان صیدی ۱۴ تشبیه به صورت جمع به تصویر در آمده است.

شاهد ۱:

چوون پرشنگ نور شہ مس خاوہرئ عہ‌زرای گولّ جہ‌مین، ہومہ‌یلای پہرئ

(همان: ۴۵۶)

[ترجمه: معشوقم مانند پرتو نور خورشید که از مشرق می‌تابد و همچون عذرا و همیلای پری‌گون زیباست.]

در این بیت، شاعر در یک تشبیه تلمیحی معشوق خود را به نورخورشید و عذرا (معشوق وامق) و هومیلا (ندیم شیرین) تشبیه کرده است. یعنی یک «مشبّه» به چند «مشبّه‌به» تشبیه شده است و تشبیه جمع را آفریده است. البته مصرع دوم خود از سه تشبیه بلیغ: عہ‌زرای گولّ جہ‌مین (بلیغ اسنادی)، گولّ جہ‌مین (بلیغ اضافی) و ہومہ‌یلای پہرئ (بلیغ اسنادی) به تصویر در آمده است و این نشان از جایگاه خلق صور خیال به ویژه تشبیه، در شعر صیدی هورامی دارد.

۳-۴-۶- تشبیه تسویه: تشبیهی است که برای چند مشبّه یک مشبّه‌به آورده شود و عکس تشبیه جمع است. در دیوان صیدی ۳ تشبیه به صورت تشبیه تسویه به تصویر در آمده‌اند که «گل» برجسته‌ترین جلوه و نماد طبیعت هورامان، در این بیت، چهار بار ذکر شده که سه بار در جای مشبّه‌به قرار گرفته است.

شاهد ۱:

گولّ پهی توّ خاسەن جەمین جامەنی گولّ بو، گولّ قامەت، گولّ ئەندامەنی
(صیدی، ۱۳۹۸: ۲۳۵)
[ترجمه: ای که جینت چنان آینه روشن است، گل شایسته‌تو است زیرا بو، قامت و اندامت همچو گل است.]

در این بیت، شاعر در سه تشبیه (بو، قامت و اندام) معشوق خود را به گل تشبیه کرده است. یعنی چند «مشبه» به یک «مشبه‌به» تشبیه شده است و تشبیه تسویه را به تصویر در آورده است.

۴-۴- خلق تشبیه با عناصر طبیعی و عوامل آن در شعر صیدی هورامی

ارایه یک تصویر نمادین و رمزی از اشیای طبیعی در کار همه شاعران دیده می‌شود؛ یعنی شاعر پدیده‌های طبیعی مانند سنگ، گل، ماه، دریا، درخت، ستاره و... را به کار می‌گیرد تا به مفهوم نامحسوسی که در ذهن دارد، تجسم ببخشد و آن را محسوس و قابل درک سازد. طبیعت بهترین دستمایه و غنی‌ترین منابع را برای نمادپردازی در اختیار شاعران و نویسندگان نهاده و هر زمان عناصر تازه‌ای از گنجینه‌اش به هنرمندان هدیه می‌کند (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۰). طبیعت بکر و منحصر به فرد منطقه هورامان از مضامین محوری و مورد توجه شاعران هورامان است و همواره در خلق صور خیال در شعر شاعران این دیار به عنوان عامل اصلی و تأثیرگذار نقش بسزایی داشته است. به نظر می‌رسد توجه به طبیعت و عوامل و عناصر طبیعی از جمله مسائل مهم و مورد توجه در شعر صیدی هورامی است. توصیف‌هایی همچون وصف فصول سال (بهاریه‌ها و خزانیه‌ها)، زمان (شب و روز)، مکان (اعلام خاص و عام)، وصف گیاهان و گل‌ها و عناصر اربعه (آب، باد، خاک و آتش)، آسمان و ستارگان، ذکر جانوران و پرندگان در شعر صیدی به صورت تشبیه و استعاره پدیدار می‌شوند که در ادامه به نمونه‌های از آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۴-۱- تشبیه با عناصر زمینی؛ در این قسمت از تحلیل عناصر طبیعی به کار رفته در اشعار صیدی، جنبه‌های زمانی (فصول، شب و روز و ...)، مکانی (اعلام جغرافیایی عام و خاص)، غیرمکانی (نباتات، جانداران و اشیا) و عناصر اربعه مورد توجه بوده‌اند.

۴-۴-۱-۱- عناصر و پدیده‌های زمانی؛ فصول سال، به‌ویژه بهار و پاییز و ملزومات آن، همواره از عناصر برجسته صور خیال شاعران هورامان بوده است. در بررسی اشعار صیدی به نظر می‌رسد که در میان تشبیهات و استعاره‌های شعری‌اش، هرچه از عمر و جوانی‌اش می‌گذرد، تأثیرپذیری از بهار و وصف آن در اشعارش کمرنگ‌تر می‌شود و بیشتر دست به شکوه زده و بسیاری از رخدادها و اتفاقات تلخ زندگی خود را که ناشی از گذر زمان و تجربه زیسته وی است، به پاییز و ملزومات آن تشبیه نموده است. اما فصول تابستان و زمستان تقریباً مورد توجه شاعر نبوده تا جایی که در دیوان اشعارش

۲ بار واژه زمستان (زمسان) (صیدی، ۱۳۹۸: ۵۲۴). و ۲ با هم واژه تابستان (هامن) را به کار برده است (همان: ۲۶۷).

اما فصول بهار و پاییز و ملزومات آن، با توجه به طبیعت و کوهستان هورامان، همواره مورد توجه شاعر بوده و در خلق صور خیال، به‌ویژه به صورت تشبیه و استعاره جایگاه خاصی دارد. در بررسی انجام شده مشخص گردید که ۲۶ بار مستقیماً از واژه بهار استفاده کرده است که ۱۱ بار آن در تشبیه به صورت مشبّه و مشبّه‌به قرار گرفته است و ۸۲ بار واژه گل و مشتقات آن ذکر شده که ۳۱ مورد در خلق تشبیه به کار رفته است. واژه پاییز ۱۹ بار و خزان که در شعر صیدی بیشتر مجاز و مراد از پاییز است، ۹ بار و جمعاً ۲۸ بار استفاده شده است که ۱۴ بار به صورت مشبّه و مشبّه‌به به کار رفته است. شاهد ۱:

چونکه شای وهار شادی موازؤ
هیچ که سئ خه مناک، مه‌لوول نمازؤ
(صیدی، ۱۳۹۸: ۵۲۸)

[ترجمه: چون بهار همواره شادی‌آور است؛ بنابراین با شادی‌اش هیچ کس را غمگین و اندوهگین نمی‌گذارد.]

در این بیت، شاعر در یک تشبیه بلیغ «شای وهار»، بهار (وهار) را به پادشاه (شا) تشبیه کرده است. شاهد ۲:

نه‌وه‌هار عومر جوانیم ویه‌رد
گا چهنی هیجران، گا به داخ و دهر
(همان: ۵۵۵)

[ترجمه: گاهی با دوری یار و گاهی هم با درد و غم، بهار عمرم گذشت.]

صیدی در این بیت، در یک تشبیه بلیغ ایام جوانی خود را به نوبهار (نه‌وه‌هار) تشبیه کرده است و نوبهار در جایگاه مشبّه‌به قرار دارد. شاهد ۳:

نیشانه‌ی فه‌سلّ پاییز وه‌ختو پیرین
مه‌لوولی و بی دهم‌اخی و دلّ زویرین
(همان: ۲۶۱)

[ترجمه: نشانه آمدن فصل پاییز و دوران پیری مانند هم هستند، همان طوری که در فصل پاییز درختان ملول و غمگین هستند، با آمدن پیری، انسان نیز غمگین و ملول می‌شود.]

صیدی در این بیت، فصل پاییز و دوران پیری را به هم تشبیه کرده است؛ یعنی می‌توان به شیوه اسلوب معادله جای مشبّه و مشبّه‌به را با هم عوض کرد. شاهد ۴:

نه‌مه‌ندن میری هامن زهوق و زینش
بیهن سولّتان پاییز جانشینش

(صیدی، ۱۳۹۸: ۲۶۷)

[ترجمه: با پایان یافتن رونق و سامان تابستان، فصل پاییز مانند سلطانی به تختش نشسته است.] صیدی در مصرع دوم این بیت، در یک تشبیه بلیغ، پاییز را به سلطان (سولتان) تشبیه کرده که جانشین فصل تابستان (هامن) شده است. البته در مصرع اول نیز، در یک تشبیه بلیغ، تابستان را به امیری تشبیه کرده که از رونق و سامان افتاده است.

صیدی در دیوان و تشبیهاتش از عناصر زمانی دیگری مانند شب، روز، صبح، مشرق، غروب، لیل، بهار و ... استفاده نموده است.

۲-۴-۴- عناصر و پدیده‌های مکانی (اعلام جغرافیایی خاص و عام)

با توجه به دل بستگی‌ای که صیدی نسبت به موطن خود داشته است، در اشعارش اعلام جغرافیایی خاص منطقه هورامان نمودی خاص دارد تا جایی که در اشعارش به عنوان مثال؛ کوه ابدالان (کۆی ئەودالان) را که از کوه‌های هورامان است، ۲۳ بار ذکر کرده است و ۱۱ بار در تشبیهاتش به آن اشاره می‌کند و به کوه قاف و حتی کعبه تشبیه می‌کند و در بلندی و استواری، آن را هم‌رتبه زهره و مشتری می‌داند.

شاهد ۱:

کابە‌ی مەقسوودەن پەرێ ئەو هالان	پە‌ی وایەو مورا‌د وەنەش مە‌لالان
کۆ‌ی بەرز و بۆ‌لەند چمان کۆ‌ی «قاف» مە‌ن	بە‌ بەرز و بەرزەن، بە سافی سافە‌ن
سەر کێ‌شان نە ئەوج چەرەخ چە‌مبە‌ری	بۆ‌ش نیان نە بۆ‌ی زوهره و موشتە‌ری

(همان: ۳۰۰)

[ترجمه: کوه ابدالان برای جوانان مانند کعبه است که برای اجابت ادعیه و آرزوهایشان به آن متوسل می‌شوند. از بلندی و همواری مانند کوه قاف است و بلندی‌اش به اوج آسمان رسیده است؛ به گونه‌ای که همسان و هم‌ردیف سیاره زهره و مشتری شده است.]

صیدی که شعر فارسی را خوب می‌شناسد و به زبان فارسی هم شعر سروده است، در شعر بالا با اقتباس از شعر حافظ:

یارب این کعبه مقصود تماشاگه کیست که مغیلان طریقش گل و نسرین من است
«کۆ‌ی ئەودالان» را که از اعلام جغرافیایی خاص هورامان است، برای آرزوی جوانان و نونهالان به کعبه مقصود تشبیه و از لحاظ بلندی و همواری به کوه «قاف» تشبیه می‌کند و آن را هم‌ردیف «زهره» و «مشتری» می‌داند.

صیدی در اشعار و تشبیهاتش از اعلام خاص دیگری مانند «ژئیوار»، «ماموَر»، «دلی دهرؤ»، «خجند»، «هندوستان»، «شیراز» و ... و اعلام عام، مانند کوه، دشت، چشمه، بادیه، صحرا و ... استفاده می‌کند.

شاهد ۲:

به‌های دانه‌ی خال سه‌فحی جه‌مینت مولگ هیندوستان، شار خوجه‌ندن
(صیدی، ۱۳۹۸: ۴۵۱)

[ترجمه: قیمت و بهای دانه خال و صفحه رخسار تو ملک هندوستان و شهر خجند است.]
در این بیت، صیدی با خلق دو تشبیه بلیغ «دانه‌ی خال» و «سه‌فحی جه‌مینت» و یک تشبیه تفضیل ضمنی، با استفاده از اعلام جغرافیایی خاص غیر از هورامان، بها و قیمت خال و رخسار معشوق خود را به ملک هندوستان و شهر خجند تشبیه می‌کند.

۳-۴-۴-عناصر و پدیده‌های غیرمکانی (نباتات، جانداران و اشیا)؛ با توجه به طبیعت رنگین و بهاری منطقه هورامان، در دیوان صیدی و صور خیال اشعارش به کرات از گیاهان و گل‌ها و بعضاً گل و گیاه خاص هورامان استفاده شده است. واژه گل (گوّل) و مشتقات آن بالاترین بسامد را به تعداد ۸۳ مورد دارد که تعداد ۳۱ بار به صورت تشبیه با ترکیبات مختلف به تصویر درآمده است؛ مانند «گوّل قامه‌ت»، «گوّل نه‌ندام»، «سپای گولان»، «گولباخچه‌ی جه‌مین»، «بالای گول‌ه‌نگ»، و

....

شاهد ۱:

تا دهوران چه‌رخ له‌یل و نه‌هار بؤ جه‌مینش گولزار باخچه‌ی وه‌هار بؤ
«سه‌یدی» چون بولبول نه‌غمه‌خوانش بؤ مه‌دداح جه‌مین گولستانش بؤ
(همان: ۴۶۵-۴۶۴)

[ترجمه: تا چرخ روزگار و شب و روز برقرار است، چهره معشوق مانند گلزار باغچه بهاری باشد و «صیدی» مانند بلبل، مداح و نغمه‌خوان رخسار همچون گلستانش باشد!]

در شاهد بالا صیدی با مجموعه‌ای از عناصر بهاری (زمانی، مکانی و غیرمکانی) ویژه هورامان، با خلق سه تشبیه دست به تصویرآفرینی می‌زند.

از دیگر عناصر و پدیده‌های غیر مکانی به‌کاررفته در تشبیهات صیدی می‌توان به تعدادی از عناصر پربسامد ذیل اشاره کرد:

اشیا: شمع (۶ بار)، جام (۷ بار)، دام (۸ بار)، عنبر (۹ بار)، عطر (۹ بار) و ... نباتات: گل و مشتقات (۳۱ بار)، «چنور» (گیاهی خوشبو که معمولاً در بلندی‌های هورامان می‌روید)، «شه‌ویؤ» و «وه‌نه‌وشه» از

(گیاهان هورامان) که مجموعاً ۳۰ بار به صورت استعاره و تشبیه تصویرآفرینی شده‌اند. جانداران: مار (۹ بار)، بولبول (۶ بار)، ئاهو (۳ بار)، پروانه (۶ بار) و شاهد ۱:

«پیرپۆسه‌م» وێران، که‌س نیه‌ن تێشدا	وێرانیش مه‌ده‌و جهرگم به‌ نیشدا
شه‌بووش نیلی پۆش، خه‌مگین دیارهن	چنوروش په‌شیو چون زولف یارهن
سه‌به‌رزان هه‌رد ئه‌ودالان تاره‌ن	سه‌یره‌ش په‌ی یاران چون ژار ماره‌ن

(همان: ۳۲۵-۳۲۴)

[ترجمه: «پیرپۆسه‌م» بدون یاران به‌ ویرانه‌ای تبدیل شده که دردش مانند نیشی به‌ دل و درونم فرورفته است؛ گل شب‌بویش غمگین و سیاه‌پوش شده و گل چنورش مانند زلف یار پریشان است و بلندای ئه‌ودالان تیره و تار و نظاره کردنش برای یاران تلخ همچون زهرمار است.] در ابیات بالا، شاعر از فقدان یاران خود در زادگاهش، شکوه می‌کند و «پیرپۆسه‌م» (کوه و بیابانی در هورامان)، شه‌بوو و چنوو (گیاهان خوشبوی هورامان) سیاه‌پوش و آشفته و گردش در کوه (ئه‌ودالان) را بدون یاران، ویران، ناپسند و تلخ، مانند زهر مار دانسته و با استفاده از تشبیه به‌ تصویر کشیده است.

۴-۴-۱- عناصر اربعه؛ عناصر چهارگانه (آب، آتش، باد و خاک) اساس و پایه خلقت و طبیعت محسوب می‌شوند و دیگر عناصر طبیعت به‌گونه‌ای نشأت گرفته از این چهار آشیش هستند. این چهار عنصر در شعر صیدی هورامی و صور خیالش جایگاه ویژه‌ای دارند به‌گونه‌ای که ۹۵ بار به‌ لفظ و معانی مختلف به‌ کار رفته است.

باد (باد، با و بای شه‌مال) ۵۲ بار به‌عنوان پربسامدترین عنصر به‌کار رفته است که کلاً ۸ بار در تشبیهات صیدی نقش آفرینی می‌کند و بیشتر در معانی استعاری و توصیفی به‌کار رفته است. عنصر خاک بعد از باد، دومین بسامد (۱۷ بار) را در دیوان صیدی دارد؛ اما فقط ۱ بار در ارکان تشبیه (مشبه‌به) جای دارد و بیشتر به‌ صورت مجاز و کنایه منعکس شده است. عنصر آتش به‌ شکل‌های مختلف (ئاویر، ئاهیر، ئایر، نار و آتش) در دیوان صیدی ۱۵ بار به‌کار رفته است که هر ۱۵ بار به‌ صورت تشبیه، تصویرآفرینی شده است و پربسامدترین عنصر اربعه در تشبیهات دیوان صیدی محسوب می‌شود. آتش در آیین زردشتی نماد پاکی است و سرچشمه‌ی اهورامزداپی دارد و همواره در شعر و ادبیات منطقه‌ی هورامان که قبل از اسلام دین اکثریت آنان بوده است، جایگاه قابل توجهی دارد و وجود آتشکده‌های هورامان یعنی: پاوه و بیاره در شهرزور، دال بر این ادعاست و البته کوهستانی و برف‌گیر بودن هورامان، نیاز به‌ آتش و توجه به‌ آن را دوچندان کرده است. عنصر آب هم با الفاظ

مختلف (ثاو، به‌حر، بحر، دریا و آب) ۱۴ بار در اشعار صیدی به‌کار رفته است که ۱۱ بار در تشبیهات و ملزومات آن منعکس یافته است.
شاهد ۱:

کالویم ئاویروو دووریت سوچنا کس نزد آب آتشم را، «قای، قهی»
(صیدی، ۱۳۹۸: ۳۹۶)
[ترجمه: هجر تو کالبدم را سوزانده است و ای داد و بیداد که کسی نیست آب بر آتشم بریزد و آلامم را تسکین دهد].
در بیت ملمع بالا، صیدی در یک تشبیه بلیغ (ئاویروو دووریت) با بهره‌گیری از عنصر آتش (ثاویر) و آب، با خلق تشبیه، دست به هنرنمایی زده و هجر و دوری (مشبه) را به آتش (مشبه‌به) تشبیه کرده است که سراپایش را سوزانده و در واقع سوزش و غلیان درونی خود را ملموس کرده و عینیت بخشیده است.
شاهد ۲:

یه ک (طرفة العين) ئه‌ر تو که‌ری قین کو چون قه‌تره‌ی ئاو مه‌شو وه زه‌مین
(همان: ۵۳۶)
[ترجمه: اگر یک لحظه (طُرْفَةُ الْعَيْنِ) خشمگین شوی، کوه مانند قطره‌ای در زمین فرومی‌رود].
علی‌رغم تحصیلات حوزوی صیدی و تدریس علوم دینی در حجره، عشق حقیقی یا عارفانه کمتر در اشعارش نمود دارد و بیشتر اشعارش با مضمون عشق مجازی است که خود در یکی از ابیاتش به این موضوع اشاره می‌کند:
مه‌جازین عه‌شقوو «سه‌یدی» بار ئیلاهی به لطف خود حقیقت کن مجازم
(همان: ۳۰۸)

در شاهد ۲، در یک شعر با مضمون توصیف خداوند، دست به هنرنمایی می‌زند و با خلق یک تشبیه، بیان می‌کند؛ که در مقابل عظمت و قهر یک لحظه‌ای تو، کوه مانند قطره‌ای آب در زمین فرو می‌رود. ۲-۴-۴- تشبیه با عناصر آسمانی؛ اجرام آسمانی و صورفلکی از گذشته تاکنون همواره توجه انسان‌ها را به خود جلب کرده و عرصه وسیعی را برای مضمون آفرینی و تصویرسازی شاعران فراهم کرده است. در منطقه هورامان با توجه به آیین باستانی میترائیسم، عناصر آسمانی به ویژه خورشید و نور در اعتقادات و باورهایشان عجین و در زندگی روزمره‌اشان تأثیر فراوانی داشته و در ادبیات و شعرشان تجلی‌گاه مضامین احساسی، عاشقانه و ... بوده است. صیدی چون عموماً شاعری با عشق مجازی است، بیشترین بهره‌وری از عناصر آسمانی برای محسوس کردن مضامین عاشقانه‌اش بوده و معمولاً

اجرام فلکی و ملزومات آن را مانند ماه، قمر، زهره، مشتری، خورشید، نور و ... در صور خیال بخصوص تشبیه در مقام مشبّه به و برای توصیف جمال و زیبایی معشوق به کار رفته است. پدیده نور (نور) به عنوان پربسامدترین عنصر آسمانی ۴۰ بار در اشعار و صور خیال صیدی هورامی منعکس شده است که ۱۳ بار به صورت تشبیه و عمدتاً در جایگاه مشبّه به (نور جهمینت) آمده است. ماه (۲۱ بار) با الفاظ (مای، مانگ، بهدر، قه‌مه‌ر) بعد از نور، پربسامدترین عنصر آسمانی است که صیدی بارها معشوق و رخسارش (مای جهمین قه‌مه‌ر) را به آن تشبیه کرده است. خورشید (۸ بار) با الفاظ (خۆر، خوهر، خورشید)، سوویل (ستاره سهیل) ۷ بار، ستاره (۵ بار) و زهره و مشتری (زوه‌ره و موشته‌ری) هر کدام ۳ بار و ئاسمان (۲ بار) در مراتب بعدی قرار دارند. شواهد ۱:

جسم نوورینت به‌ر گوزیده‌ی من! جا گێرتنه‌ن چوون نوور نه‌ر پووی دیدنی من
ئه‌گه‌ر زوڵماته‌ن، وه‌گه‌ر ده‌یجوورنه‌ن دیدمه‌ن چوون جای تۆن دایم په‌ر نوورنه‌ن
چوون نوور جه‌ دیدمه‌ن هیچ نه‌شی دوور ته‌باره‌که‌لا! نووری عه‌لا نوور
(صیدی، ۱۳۹۸: ۱۹۷)

[ترجمه: ای برگزیده‌ی من! مانند نور در چشمانم جای گرفته‌ای. اگر در جای تاریک و دی‌جور قرار بگیرم، چون تو در چشمم جای داری، همیشه بینا و روشن هستند؛ مانند نور هیچ وقت از چشمانم دور نمی‌شوی، ای که بالاترین نوری و از این بهتر نمی‌شوند؟]

در ابیات بالا، صیدی شش بار از واژه نور استفاده کرده که پنج بار به صورت صریح و ضمنی در جایگاه مشبّه به قرار گرفته است و جسم و رخسار شفاف و زیبایی معشوق خود را به نور تشبیه کرده و حتی در آخرین مصرع، در یک تشبیه ضمنی و تفضیلی، خود را به سیاره عطارد و معشوق را به نور خورشید تشبیه کرده که مردمک چشم صیدی مانند عطارد نور خود را از جسم نورین معشوقش که مانند خورشید است، می‌گیرد و نور معشوق خود را بالاترین نور دانسته است و همانطور که گفته شد، این نشان از اهمیت واژه «نور» در ادبیات و اشعار منطقه هورامان است. شاهد ۲:

شباباز بی‌گه‌رد! هومه‌یلای په‌ری! ماییل به‌ر وخسار زوه‌ره و موشته‌ری!
(همان: ۵۲۹)

[ترجمه: ای شه‌باز بی‌عیب و همیلائی که از نژاد پری هستی، زهره و مشتری برای روشنایی خود خواستار تو هستند.]

در مصرع اول بیت بالا صیدی با استفاده از عناصر طبیعت و صور خیال استعاره، معشوق خود را شهباز و همیلای پری می‌داند و سپس در یک تشبیه ضمنی و تفصیلی رخسار معشوق خود را زیباتر از زهره و مشتری تصور کرده است.

۵- نتیجه‌گیری

صیدی هورامی در تصویرگری‌های بلاغی اشعارش از صور خیال مختلفی از جمله تشبیه، استعاره و تشخیص بهره برده است. از تحلیل و نتایج به دست آمده مشخص می‌شود که تشبیه یکی برجسته‌ترین و پرسامدترین تصویر بلاغی است که صیدی با الهام از طبیعت کوهستانی و سرسبز منطقه هورامان، به گونه‌های مختلف برای بیان احساسات و مقصود خود از آن بهره برده است. نتایج به دست آمده در تحلیل حسی و عقلی بودن پایه‌های اصلی تشبیه (مشبه و مشبه‌به) نشان می‌دهد که در مجموع ۵۳۴ تشبیه دیوان صیدی، ۳۷۹ تشبیه از نوع محسوس به محسوس است که (حدود ۷۱ درصد) از تشبیهات را شامل می‌شود و این نکته بیانگر آن است که شاعر بیشتر در پی توصیف محسوسات و واقعیات است و شعر او بیشتر در حوزه غنایی با عشق مجازی است و مفاهیم انتزاعی و عقلانی و فلسفی، کمتر در صور خیال و تشبیهات وی دیده می‌شود؛ اگر معقولی هم با بسامد بالا در دیوان شعر و تشبیه صیدی وجود دارد، در جایگاه مشبه است که به پدیده و عنصر محسوس تشبیه شده است و به همین دلیل است که از مجموع تشبیهات صیدی ۹۳ تشبیه یعنی (حدود ۱۷ درصد) از نوع معقول به محسوس هستند. در مجموع نیز می‌توان گفت که ۴۷۲ تشبیه یعنی (حدود ۸۸ درصد) از مشبه‌به‌های شعر صیدی که پایه و سرچشمه سایر صورت‌های بلاغی، نظیر استعاره، مجاز، تشخیص، هم محسوب می‌شوند، از نوع حسی هستند.

از گونه تشبیهات محسوس به معقول، ۳۶ تشبیه (حدود ۷ درصد) و نوع معقول به معقول که کم بسامدترین نوع تشبیه دیوان صیدی است، ۲۶ تشبیه حدود ۵ درصد به کار رفته است. با بررسی و تحلیل تشبیهات دیوان صیدی از جنبه ساختار ظاهری (ارکان تشبیه) مشخص شد که از مجموع کل تشبیهات، ۳۵۱ تشبیه (حدود ۶۶ درصد) تشبیه بلیغ (مجمل مؤکد)؛ ۱۸۳ تشبیه (حدود ۳۴ درصد) تشبیه غیربلیغ (فشرده) است؛ این آمار نشان می‌دهد که صیدی آگاهانه با به کارگیری تشبیهات بلیغ (مجمل مؤکد) و ادعای همانندی بیشتر، به سوی خیال‌انگیز کردن و ایجاز و کوتاه کردن زبان و لفظ شعر خود بوده است.

نتایج تحلیل تأثیرپذیری از عناصر طبیعت نشان می‌دهد که صیدی شاعر طبیعت، مکان و زمان خود است و در تصویرپردازی از عناصر طبیعی منطقه هورامان و اعلام جغرافیایی آن غافل نبوده و تصاویری بکر و غریب خلق کرده است. اندیشه غنایی، احساس و عشق مجازی‌اش موجب شده است که با تصویرسازی از انواع عناصر طبیعی از جمله کوه، دشت، دره، چشمه، گل و گیاهان بومی

هورامان، خورشید، نور، قمر، ستارگان و ... تشبیهات بلیغ و غیر بلیغ خلق کند، و این تصویرسازی و مضمون آفرینی، موجب زیبایی و دلپذیری شعرش شده است.

منابع

الف) فارسی

تجلیل، جلیل (۱۳۷۴). *معانی و بیان*. چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 حاجیان نژاد، علیرضا (۱۳۸۰). «نوعی تشبیه در ادب فارسی (تشبیه حرفی)». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال چهل و هشت، ش. ۴، صص. ۳۸۷-۴۰۲.
 حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۷۷). *دیوان غزلیات حافظ*. چاپ بیست و دوم، تهران: صفی علیشاه.

رجائی، محمدخلیل (۱۳۷۹). *معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع*. چاپ پنجم، شیراز: دانشگاه شیراز.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸). *صور خیال در شعر فارسی*. چاپ ششم، تهران: آگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). *بیان*، چاپ چهارم، تهران: فردوس.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). *معانی و بیان*، چاپ هشتم، تهران: فردوس.

شیخ احمدی، سیداسعد (۱۳۹۴). «تطبیق ادبیات کردی با ادبیات فارسی در زمینه عروض و وزن شعر» *پژوهشنامه ادبیات کردی*، ش. ۱، صص. ۱-۱۴.

فتوحی، محمود (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.

کاردوخی، موحه‌مه‌ئه‌مین (۱۳۷۵). *دیوان اشعار*. سنج: کردستان.

کروچه، بندتو (۱۳۴۴). *کلیات زیباشناسی*. ترجمه: فؤاد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۴۰۰). *بیان*. چاپ دوازدهم، تهران: مرکز.

گلی، احمد (۱۳۸۸). *بلاغت فارسی*. چاپ دوم، تبریز: آیدین.

ب) کوردی

صیدی، محمدسلیمان بن محمود (۱۳۹۸). *دیوانو سه‌یدی*، گردآورنده و تشریح: عبدالله حبیبی، سنج: کردستان.

صیدی، محمدسلیمان بن محمود (۱۳۸۵). *دیوانی سه‌یدی*، گردآورنده و تشریح: محمدامین کاردوخی، سنج: کردستان.

محمدپور، رثوف (۱۳۸۶). *خیزگهی سه‌یدی و خه‌رمانه‌ی ئه‌ده‌ب*. تهران: احسان.

هورامی، محمدامین (۱۹۷۰م). *دیوان صیدی هورامی*، سلیمانیه: راپهرین.